

۳۱

بازرسی شد
۳۶ - ۳۷

۸۴۱۶ - نین

۹۸۷۴

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب: اجمال و تالیف جناب سرور و زاپون	
مؤلف: کاراپت اوانسیان	
موضوع:	شماره قفسه: ۷۹۴۸
شماره ثبت کتاب:	۷۸۷۳۵ ۱۱۳۷۴

بازدید شد
۱۳۸۲

نظری - فهرست شده
۷۹۴۸

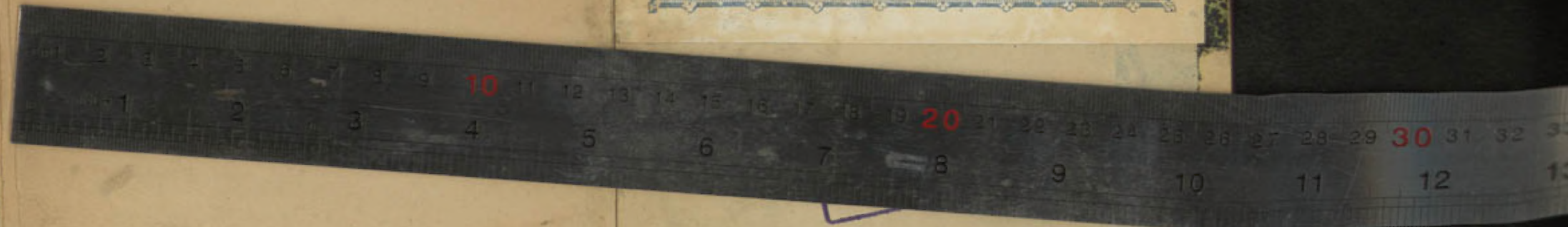
۳

بازرسی شده
۳۶ - ۳۷

۸۴۱۶ - سن

۹۸۷۵

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کند اجمال و تالیف جنگ روس و ژاپون	
مؤلف کاراپت اوانسیان	
موضوع	شماره ثبت کتاب
۷۹۴۸	۷۸۷۳۵
	۱۱۴۷۴



نسخه فهرست شده
۷۹۴۸

۳

بازرسی شد
۳۶ - ۳۷

۸۴۱۶ - مخ

۹۸۷۵

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب اجمال و تالیع جنگ روس و ژاپون

مؤلف کاراپت اوانسیان

موضوع

شماره قفسه ۷۹۴۸



شماره ثبت کتاب

۷۸۷۳۵

۱۱۲۷۴

بازدید شد
۱۳۸۲

خطی - فهرست شده

۷۹۴۸



اجمال وقایع
جنگ روس و ژاپون

کاراپت او انکس
جلفای صفهان
مهر ۱۳۰۸ هجری قمری



بار و رس مقدمه جنگ ژالون

جنگ مشرق الاقصی که پیش از ۱۲۸۰ هـ امتداد داشت جنگهای
ازمنه سبقت جست و همه از باب بصیرت و سیاست اثر داشت
ظاهر ساخت و کاشش فی وسط السامیه و اولایک کردید
تبریت دارای چه قدرت و مخبرات است که در ظرف ۱۲ سال
چراغ پیش علم حالت این قوم شرقی را بالکل
بر طرف نمود چنان با وجع معادلات افراحت که نتوانست

سری

کومی ارتقا از عرصه جهان برآمد . از دستهای جنگ تا بهایی
فوجات موالیه را بنو نهانها کمر را برآورد در راست رزوالهای
حاذق و مجرب ربان کافی بردمانی و ملت پرستی دموکراسی
این قوم اصغر ظاهر است و کالمتش فی اکثر مشرف گردید
که قوه عظمیه و عقلیه حد متعینی را حتم دارد
سلمه است که قومی از حاده جهالت و نادانی بصراط سهو و
و شاهزاده تمدن بدایت نمید . هر چند مدارس
در مملکتی دایر شود نو نهالان وطن در نوشتن علم بر بار مشوند

دانشوران مادت مدد مافی و قرار مسماند . زمامت
از نوم غفلت وستی جمالت سدار سوم و ما کمال حد و حد
ماداره تمدن مگذارم و سمدست و بمحال در اصل حال خوش
مقیم جو عصبی مدرد آورد و رکار دگر عضو مارا
نماد قرار . نظر ارباب خبرت دایم بدن صورت
معطوف است و ادله ای دولت و مدیران و مدیران مراد
هم عالمه شان بمصرف میدارند که عواید و فوائد بریت
با دلائل فصیح بیان کنند . احوال این قوم اقصی الشرق
مستدل

مستدل مسازد و آنکه در فوق ذکر کردم باید اعمال قبحه را محبت و
محسن را محذوب کردم فتوحات ایت
المان که در ^{۱۸۷۱} واقع شد و از کثرت خسارت مشهور به
وجه مشهور شبهه حکم روس و ژالون داد چون اکثر اوقات
چری غلبه اند که نتیجه جنگ تغییر و تبدل شود ولی برخلاف آن
فتوحات ژالون قطعی بود و در مقام نظمیه ماسوره و طبعیه
و غیره اقصی درجه حسن و خوبی رسیده تا بل تحسن و تمجید بودند
که سکه بخوابد بیان و توصیف جنگ مذکور بکنند خواه میخواهند بر سه

تفضل می رود چون شرح بر گزین ^{خجسته} مملکتها و کاملترین فتوحات
و گزینها که دنیا عدل آنها تا حال کمتر دیده است باید بداند در
طرف چند ماه قلعه معروفه برت آرد و هر که را حادث درونی
آن دولت روکس کرد و در نام صرف کرده بدست را بونیها
افتاد . بر قوت روکس گشت و خسارت عظیم در
(لما و مایک) و قرب حصار کردن دارد آمد و حارث
مالک که با کمال هوشمندی ارماف لعمده و در بیان
اشکالات امیرال (روشنوکی) بدایت و راهبری نمود
منقطع

۶
منقطع و باور گردیده بود . بعد کالفرانس (رسموت)
با انقلابات امید و ترس مطمح نظر مرق و مغرب شد تا آخر
الایم صبح نامه منقطه با مضار رسید و کارسکار خاتمه بدست
روز پنجشنبه شرفه از آن شروحات مفصله و عام المنفعه در باب
جنگ نکاشتند من هم برای فرید اکاهی هموطنان عزیزم
شرح اجمال و قانع جنگ بغیر اخور قوه برد ختم و امید دارم
از عدم قابلیت و اعلاط مشحون آن چشم پوشیده و عذر م
بر رفته امید و باعث تسوّل و دلاسی این حقیر شود که بتوانم
منقطع

از این لحد ذره و شمه از کمالیم بسپارده و در درنده خود
لغی ایران خست نشان بنام شکر و سپاس خالق کون و مکان
و افریده زمین و زمان لازم و واجب است که در این عصر
فرخنده و مجامد خسته شیم از لوجات کامله و ساعی حمیده و بذل
مراحم مکرانه نندگان اعلی حضرت تو شوکت قدر قدرت تو
شروان عدالت شاه مجاهد معارف پناه مظهر الدین
شاه خدایه ملکه و سلطان علم و دانش شایع و راسخ شده
دولت ما و دراز دایه است . از مارگاه بر دوان برآی
ست

۸
سلامت و کثرت عظم و جثمت ذات ملک صفات است
همایون و دعای دوام دولت ابدت و در ذرف و نسلت
میایم . از مطالع کشته کانه کان معدت
میخواهم که باین مجال فراغت بال مصطفی دل را هم در باب
زایون و زایونهای طر شرفشان کدازند در طرف شرق الاقصی
آسمان در اقیانوس کبر مملکت زایون است که مشمل رحمت
در هر همیشه در زکترین آن خدای را (بنیون)
کوین و پایتختش (نوکوی) است هریش معتدل

بسیار خوب و خاک حاصل خیز شهرهای بزرگ پیمایند
 تنگی بود که کسی چهل سال قبل از این در خوش و حال
 مستغرق بودند و بچس اجازت دخول مملکت ایشان را
 نداشت. اکنون در ظرف چند سال اخیر خصوصاً در
 ماحسن و حکم حاله ناروس شهرت مام و ملت دمائی در
 مدینت پیدا کرده که مام دول و مل عالم متحیرند مسافر
 اولین بار از گشتی بیرون آمده ساحل را چون می رسد
 هر چه نظرش می آید در خیمهای گسترزای بنزد و هم

راههای

و راهها و کوههای مالکیزه و ماصفا و نظم و درست رفاری مردمان
 است. را بویهای کوتاه قامت هستند و چون زلزله هم
 در آنجا بسیار واقع میشود خانههای خود را کوک و چون مسافران
 با حاط و باغچه و اطعمه داده است و میل و اسباب رفته
 ندارند. و را بویهای همه چهار را نو بر زمین روی بوی بوی نشینند
 طبعاً همان دوست و خوش اخلاق هستند و کمال سعی و کوشش
 را می نمایند که میهمانان ایشان خرم و خوش باشند و غذای ایشان
 عموماً از مرغ و سبزی و ماهی خشک است ولی در موقع ضیافت

۱۱
اغذیه لذیذ و سرشته می کنند . و باد و جوب که در کمر بند کس
حاضر است غذا را صرف می نمایند . بعد از غذا ابله گوی اعلی
میکشد . و عرق از بروج که اسش (ساقی) است می نوشند
ولی میخکوست نشود و الا از خانه بیرون نمی آید که مستی مایه
رسوایی و افصاح است بعد از آن چاهی می آورند در ساله چینی
و بدون شیرینی صرف میکنند و زنها از کودکی طبع خاصی
می آموزند و بچنین چای سیرتی که زنها آنها معمول است . حالا
از رخت و اشکال نیست و خیلی اهتمام می کنند با لیزه درست شود

سبب

۱۲
که اسباب فقار است . عموم مردم بسیار ساعی و کار
هستند . و کد مین و عرق جبین مان می خورند بهر کار و صعبی بچشم
و خوشی و دلگرمی میسوزند و چنان با تمام میسرسانند که انسان
متحیر نماید . و صنایع آنها در همه جا مطلوب و مرغوب است
دخترهای را لون خواندن و نوشتن و کارهای خانه را کمال
میدانند خصوصاً دختران متمولین همگی آزاد هستند و درود
هم شوهر میگیرند و از این جهت اولادشان کوه ماه قامت می شود
و ببا و فاهستند و در دلهای اطفالشان تخم دیداری و اطاعت

و تقوی مکارند) خوب تر را خاک که خواهی سج) نشود
خاک بر ناست راست) عدوه نفوس شکنه را لون
تقریباً نو چپا کرد راست و نصف شتر عت هستند
چهار صد پست قسم نباتات کشت در زمینی کنند و کمال
محافظت و مراقبت را از زراعت و محصول خود دارند که حورش
و کوشش اهالی عموماً از آنست در دهات کاه و کادیش و غیره
کمتر میداشود و این دلیل بر آنست که خودشان اعمال کشت و زرع
معمولند در دنیا مملکت و خطه دیگر یافت نمیشود که شتر از آن لون
شتر

آتش نشان داشته باشد . در زلزله در آنجا کثیر الوقوع و مستعد است مانند
برف باران در نزد ما خاک که این دو بنوعی محمل بود امواج دریا بعضی ارجا را
فرو میگرفت و اکنون هم گاه گاه طوفان و تلاطم بحر خان سخت
که شهر بار خراب و ویران میکند از جمله شهر (آسا کو) بود
که دو کوه در نفوس داشت . یکی از عجایب طبایع را آنست
این است که عموماً آب حش در سور و انواع بارها دوست
میدارند مسافر از و بانی و قبی از میری را بانی رسید که طبعیت
شما چنین است جواب داد که اگر اینها را ندیده باشم نمیشوایم

بسهولت کار کنیم و بزودی شکسته و پیر شویم این خوشی و قیام
 خاطر ما را زنده دارد و کرند زنده گانی این دسی فانی بر خست آن
 نمی ارزد و در هر کسی جشن بدارک بسیاری می بینند و در کجا
 که زمین به پیر قها و فالو نسهای کونا کون شمار است هزاران هزار
 مردمان عیاش از اعلی دادنی و مرد و زن و بزرگ و کوچک
 گردش می کنند و از اتفاق و اعطای مال فقرا و ضعیفا در حق
 نمیدارند . و عجب این است که هیچ شرب و سرف
 و قیل و قال و جنک و جدالی هرگز میان آن جمعی عظیم واقع
 نشود

نمیشود همیشه مجلس تیار در همه جا باشد و از صبح تا شام خلقی
 بشمار تهاش میروند . دستگاه رقص و ساز هم فراوان
 است از قرار مسطرات فوق چنین معلوم میشود که را بونیهاد و رو
 خوشی و عشرت بخشش که زانی و عشرت میر دارند و وقت کار
 کار میکنند اما از صفات حمیده را بونیهاد این است که عموما
 دوستدار بریت و تعلیم و مروج معارف هستند چنانچه در را بون
 زیاد تر از روسیه و در انجالت و کتب لطیف میرسد در حالی
 که عده نفوس روس سه برابر بکنه را بون و دوستی خاکش

چهار شش برابر زانون است فقط در (تو کیوح هفصد و نه)
روز نامه و جریده بطبع میرسد و در شهرهای قس علی مذاکره
در محکمت زانون پیشتر است و هر کس بگریز باید در صدد
تعمیم و تسلیم بوده باشد والا نادانی برای هر کس که در ملک
عظیم است در سی سال قبل که زانونها سانی
را طعمه و مراد و بادول اردو مارا که از دند از طرف (میکام)
فرمانی باین مضمون صادر شد (ما بلیستم که علم و دینیت
در بلاد حاجتی و رای و دعات شایع باشد بحال آنچه میل دارد فر

مسکود

مسکود و بوده بسیار آن رسیده است حالت امروز زانون
چه قدر فرق با حاصل سال قبل دارد . آرزو زانونها علم
و دینیت خوف و حشر داشتند و نور دانش را اش سوزان
می پنداشتند ولی اکنون بوقی اندک زانونان هر چه برای
ترقی ملت و محکمتشان و حب و نیتند بحال چلاکی از او
و امر بکار می خستند و اکنون معین از اقسام علوم و فنون در محکمتشان
و اخذ و منح احتیاج مغرب ندارند . اختراعات بدیع
حیرت انگیز نموده اند که دلیل بر بحال حدائق و تعمین دانش

داندیشه آنحضرت است در مدارس دارالفنای ما و دارالعلومها
 اطفال هر قسم صفت و حرف می آموزند و زمانی میگذرد که آنها
 بیرون آمده و جبهه برای معیشت خودشان در صورت وطن
 می کنند در کارخانه جات و تجارت ناشی می که طاقت روزی
 چهارده الی شانزده ساعت کار دارند و عتی بکار و معطل نمیشود
 اگر ناکهان کمی از اهل اروپا بیکی از ما در ژاپون وارد شود
 ما و میگویند که در اروپا نیست فی الحقیقه هیچ تفاوتی با این
 بلاد در ژاپون با شهرهای بزرگ اروپا نیست در بنا در ژاپون

در

از آنجایی بسیاری یافت دارند و اثر آنها در همه جا میده است
 بجهت اینکه بیشتر بواسطه اینها ژاپون در صفت اعظم دول عالم جای
 گرفته است و در بعضی از شهرهای ژاپون بر زمان آنجایی حکم می کنند
 از قبل (ناکاساکی) (کمی) (توکیو) (توکیو)
 غیر آنکه از اهل آسیا وارد و با ما هم در بنا در ژاپون
 باشند و کشتیهای تجارتی و جنگی این مل همیشه میگذرانند
 در بندر (نوسا) نزدیک (ناکاساکی) زمان
 روسی شش حرف میزنند که این در زبان شهر (ولادو)

۱۱
نخ نمید و چو ز مای حکمی روس ناچار نه منزل و مواحل معده

میرد و یکی از آن جاها (نیوس) است روسها با دخترا می

تراوی بعضی از اوقات عقد و نکاح می کنند و آئینش تا کدک

دارند . شهر ما بواسطه رل آهمن در او ده چهار تا از هر طرف

عالم رود و بزرگتر شود و احاس از هر قیل خارج و داخل

میکردد در شهر مانی که مراد ده در مکان کمر است و از آنها از

و برکنار هستند . وضع بلاد و ایشاد تغییر نمیکند چنانکه در اینجا

می بینی که چهای سنگ و سنگه مای عالی و دکانین بسیار و فائو نهایی

سرسبز

۱۲
کوناگون و مارهای الوان کوهها و کجاست در کوهها پیوسته رفت

و آمد میکنند با کشتهای دو چرخ که راجای و بنا کوه درخ و غله و غفل

و میزیم و غیر است غالباً در کوهها رفت و آمد میکنند خصوصاً شبها

در معابر و خیابانهای تماشای غریبی است و هنگامی که چراغها و

فائو نهایی کوناگون مشتعل است شخص خیال میکند با جاشنی

در شهر بپا است رجال و خدام دولت همه لباسهای رنگی

میپوشند . ولی زنهای لباس ملنی قدیم خود را در دست

نداده اند دولت را بون لازم دانست که وضع و طرز سیاه

بری و بحری خود بطرز داسلوب سپاه اروپا تبدیل نماید و آخر
امالی ملت با دولت مساعدت کردند اکنون مواضع قانون بر هر
فردی از افراد امت لازم و مستقیم است که از عهد سالگی ملت
و نه سالگی بدولت خدمت نمایند و در مدارس علوم نظامی
مش جک مساموزند از این روی دولت را چون در غیر زمان
جنگ دولت پنجاه هزار قشون مسلح دارد و در وقت جنگ
یک کرد را لا دکر در پشت تا هر عده که حاجت افتد می تواند لشکر
حاضر نماید و عده کشتیهایی جنگی در غیر موقع جنگ بشمار آورند

==

میرسد که با کمکها و توپهای عظیم جدید اختراع گشته شده است
سابقا کشتیهایی را چون را در امر کامی ساختند ولی اکنون در خود
را چون هم می سازند محصولات را چون از طبیعی و صنایع از قرار
ذیل است رنج (غله) (پایی) (ابریشم) منوجات
ابریشم غیر (پنبه) (تباکو) زنجیر (کافور)
لاک (چینی) چودن (نی سبک) عاج (مس)
صدف (ظروف از خاک چینی) انواع بادپرن (کافور)
(و غیره غیره) را چونها چندان مستقیم و راسخ العقیده در

در کیش و دین خویش نیستند . خواص برای ادای تکلیف ^{مندی} ^{مندی}

می کنند و عوام فقط رسوم و آداب ظاهری را حفظ و متابعت می کنند

مذهب قدیم مکار دو در الونج (شنیتوی) است و اصول

این مذهب این است که چهره های مادر و طبیعی اوصاف کبریا بی در

و همچنین اکثر ارواح مانند که در مدت حیات و حلول در این ^{ان}

مطر کارهای عجیب و غریب شده اند و افاض آنها چندان نیست

این مذهب دعای معین و مواضع حسنه و دستور الهی برای تقوای

و تهذیب اخلاق و آداب تربیت دارند و آنچه تخیلشان است

باید ظاهر

باید ظاهر آیه بکنده مار وند و باطناً با ضمیر پاک و قلب صافی باشد بنابراین

مذهب مذکور قبلی است و خودشان اقرار بر این دارند در عباد ^{گاه}

شان جز از یک یاد و دست چرخ و کرمات نمیشود و از این قرار معلوم

میشود که معتقد پیرایه و دستگامی دیگر نیستند و تمام عبادات را بی ریا

می پسندند . مذهب دیگر هم دارند که مذهب بودا است و آن

تفاوت کلی با مذهب (شنیتوی) دارد و پیران این مذهب

بسیارند و اساس عقیده و اصول مذهب بودا تقریباً متنازع است

یعنی معتقد بر این اند که ارواح مردمان حریف ملک و بد زندگانی و اعمال

و احمال که در این جهان نموده پس از فوت تبدیل بصورت و جای دیگر
 میشود . و باید هر کس با توبه و عمل شایسته کف نفس و اساک از
 شهوات رحلت کند و معاودت نماید با حیات جاودانی یابد
 معاینه بودایی بر خلاف مسکده با عالیه و مرتین است در رسوم و آداب
 عبادتشان سخت و مفصل و با شوکت و جلای تمام در کوچها و معابر
 طواف می نمایند چندی است مذهب علوی هم در راپون بزرگ
 دعاه علوی رواجی گرفته و تقریباً بقدر صد و پست هزار نفر فعلاً

متابعین دارد

فصل اول

احمال قانع حکم راپون

فصل اول سبب آغاز جنگ راپون و حاکمانی که در آن
 پدید آمدند

از تورات مناسبت حرکات قشون متخاصمین در مملکت کرده و مجارده رود

در عهد حبیب (۱۸۰۰)

مال و جنگ عظیم فماین در لنین در روس و راپون

واقع در مشرق الاقصی بسیار در خاک منور با که دلوله در اقطار جهان

انداخت و حاکم الطیف رعمه در ل و غل شد و سبب اراقه خونهای

مردمان کثیر بعد و احمال آن از این قرار است در ماه ژوئیه ۱۸۴۳

ملاوی دولت شمس طالع (راپون) بعد از معااهده نمودن

با دولت انگلیس مذکور که تحلیه مسخر با مار و سیماسان آورده چون

در جواب ملاحظه نمایند کشف وضع امورات از دربار میرزا نور
خواست . وزارت خارجه روس از این علامات خمال
گرد که عرض مقصود را چون پوست اندازی (کره) بود در
عوض منجر با این ختم معاملات و انجام کار میدارند ولی در
زاتوجه دولت را چون الضامه مار روس اطلاع داد که منظر جواب
کافی و شافی است . دولت روس در خلال آنحال تصدیق
و صلاح دید امیرالکسیرف فرمانفرمای منجر با چهارمادی حکایت
خواستار شد برای شرق و سپاه بری هم برای کره به بهانه

منجانب

می فط حقوق روسیها در آنجا دولت را چون و مکه در حجاب
تدارکات لازم حکایت می نمایند دیگر زاده انتظار وصول جواب
وزیر مختار خود را در امور روس احضار کرد و همچنین رشته معامله در
سیاسته متعصب گردید و همین را اعلان جنگ شمرده ولی روسیها
تصور نمی نمودند که را چون تواند مداومت مقاومت نماید .
بهر صورت در نتیجه ۸ فوریه چهارمادی حکایت را چون
در تحت حکم و سرکردگی امیرال توکو مقابل رت ارتور لکزامپ
هنگامیکه جشن و شور و چراغان برای مولد امیرال سترک

سر کرده و قشون ساجو بندرتب داده بودند و فرصت اغنیت شمرده
 امیرال کوکوارنس کرگاه مروان آمده چهارمای بند را کوله باران
 کرد و ماروسیا مطلع شد بدست فرزند چهارم محبوب و از کار آفا
 بودند و در دیگر کوله ریزی شروع شد و چهار فرزند کشتی هم محبوب
 گردیدند. همان روز دسته از سفین جنگی را چون همکار می سپاه
 بری را برای حمله کرده محافضت و مراقبت از دشمنان میکردند و چهار
 روس موموم به (اواریاک) و (کورین) در بندر
 (چلیو) غرق کردند. قبل از جنگ فوت کبری دولین

ستارین با هم توافقی را دادند و یک گروهی بعد از قنوجات دوز و نه
 تسلط در بابا را توخت افاد و غرت و حمت آنها را دماقت
 که گفته اند است در خوب نصف کار است تکالیف امیرال کوکوار
 را بسکنین سخت بود. اولاً لشکری بود عازرت ارتور کرد که
 مبادا اسفان آنجا مروان آمده خسارت کلی بکشتیهای را چون
 که مشول نقل سپاه می رشتند و ثانیاً نگذار و سفین اولاد
 و لشکری آنها متفق شوند. بعد از کشتیهای بر لقه
 وزارت خارجه روس امیرال با کاروف شخص مشهور و محترم

و محترم بجای امیرالستارک مأمور نمود . حالت امیرال
 توکو سحر ترشت دلی بکیده و ملعون غیب و عجب سفین رو سجا
 بیرون بند کشیده . چهارمای امیرال ماکاروف موموم
 به (پیر لالاک) بگولہ وینامیت بر در می خورده هوا
 پرانده شد با خود امیرال و جمعی کثیری . سه هفته بعد
 به الوخسا بو غار بند را کشته های کشته تیری تنک
 درجه سد و کردند که ممکن نبود چهارمای بزرگ عبور رود
 کند . در این بین قشون راپون در کره جا گرفته

بودند

بودند و عهدنامه با دولت کره بسته کارهای خودشان بسو
 مش میروند . قشون روس هم متصرف شمال نیم جزیره کو
 بودند . در آفریقا ^{پس} رزمال کوروکی سرکرده قشون
 بری راپون با جمعی کثیر طرف رودخانه مالوش فرستاد و سجا
 در تحت سرکرده کی رزمال کوروکی نقاط مهمه در اطراف
 رودخانه احداث کرده خیال مقاومت و پایداری داشتند
 در آفریقا اوایل بود که رزمال کوروکی بواسطه توپهای
 زیاد که در محصور لها و کیمیا نصب کرده فتح نمایانی داشت کار سجا

که نظر آن در مانع گزینان شود . را اونها بعد از عبور رود

تصرف که کوچک شد در وسیع فی الحقیقه در همه جا

میکردند که حال است را اونها میباشند در خشکی مقوت نمایند

ولی جنگ با الوار کلی بخشید و خیالات و عقاید مردمان را مبتدل

جست خصوصاً دولت روس با این عظم افتاده لازم و واجب

دولت ژنرال (کور و مانکن) برای سپهاری قرن

برای عرصه و غالب هستند و جمع دوری شکر نمایند و تدارک تهیه

نمودن دسده چهارم ای جنگی در دریای بالیک برای مشرقی

بیند

بریند . بود خط دوری راه مشکلات سخت پیدا شد چرا که

آن کاری نبود که سید یک راه آهن و صرف بعد شکر و

جهات حریم و آذوقه و غیره داشته داشتن از طرف را اونها

معملاً درست است که در آمده شهرهای گنجان و نشان و جهون

حصه و ۷۸ توپخانه فرستند و ضرر کلی بر روسها رسانند

و بعد از فوتات متوالیه خطر را از این برت آرد و تصرف کرد

و بندر مذکور را محاصره نمودند و بعد را اونها متصرف گنجان

افشایک (موتلیک) و نیلیک شدند و روسها

عقب نشاندن و خودشان پیش فرستند . در ۲۴ اوجک
 عظیم در (لما و ماگت) مابین ژالونها در حرکت سرگردانی
 مارشال اواما در وسجا در کت ژنرال کور و ماگتین واقع شد
 و تاده روز آمد او داشت . هر طرف استعداد خوبی یافته
 بودند و تمام قوه خودشان مقابله نموده و مرد و طرف هم خوار
 دیدند . در اوان اواخر ژنرال کور و ماگتین با برهنندی
 دو استادی و پلیک دانی قشون خود را لیل از شهر بیرون
 کشیدند . چون دید که ژنرال کور و ماگتین کی سردار سپاه

سینه

میننه اردوی ژالون تعاقب نمیداد فوجی برای دفاع و منع حرکات
 او تعیین نموده بر سرعت تمام راه مگردن پیش گرفت . مصون
 و محروص این چند روزه لالتعد و لا تحصی گشته از هر طرف
 تجاوز از پشت مرز انفر در غصه غافل شده در تاراج ارمه
 جدیده جنگی بدین عظمت و بهت در صفحه عالم دیده نشده بود
 و نمیشود آری زمین خون آلوده شده بود و مرگست از جهاد و خون
 پوشیده مشت روز بعد از آن جنگی دیگر در ظاهر
 مگردن واقع شد که عظمت و خیزش آن کمتر از جنگ ()

(لما اوماك) بنود روسها چهل غزاده توپ و چهل درج

نفر دست دادند را لونها سازده هزار نفر هلاکت رسیدند

بعد از این جنگ قشون دولتی متحارین مغان کج

در موصل رودخانه شجواقت حستند و مظهر فصل بهار نشسته

چرا که در موسم رستان بهار ای بسیار سرد است فصل دوم

محاصره پرت آرنور - (امیرال توگو) از طرف بحر

در زغال توگی از طرف خشکی شهر را محوله بر زمینند

خند و بدعق ماموب گردیدند - چند لفظ مهمه

تصرف

تصرف را لونها می افتد منجمه این جنگ شایسته کی

ما حک را لون و جن که در ۹۴۰ میلادی واقع شد دارد

در ازمان قست دوم قشون را لون از بند

(بیترو) وارد شده حرره (لما اوماك) همین رفته

مجدد اتفاق افتاد (رزال) (اکو) در اواخر ماه

به لشکر برادر ششما حمله کرده در طرف خند و رمار و سها

در کجایه نشان مقابله و مقابله نموده فروزمند گردیدند و چهار

دعلاوت خود ظاهر نمودند خبر الهزام روسها در کج

عبدجلو کس اعظم حضرت امیر اطهر رودس در پیرزبورج انت رفت

و موجب اختتام ساحل حش و سور گردید . بهر قسم در ۹۴

راهنمای حمله و کجایه بردند و طالع را با مهمات حربه و اسلحه

و اسباب زیاد مصرف نمودند در آن جنگ هنگامیکه قسمت

دوم قشون را چون بطرف رت آر پورش میفرستادند

طرف شمال رودخانه یالور را متصرف شدند و حصی بنا را

بسطه و اضطراب انداختند . رت آر پور کی از

سازمعه رودخانه مشهور و دارای طلاع و استحکامات بنیه بود

در آنجا

حلب اظهار حجازین شد و هر دو ساجدات و اقیه و جهات

کافی در حمله و دفاع مبدول داشتند . راهنمایان و راهنما

باشینی جدیداً اختراع از هر طرف خشکی و امیرال کوکوار

در باشهرت آر پور را کوله ریز میگرداند و قشون را

اطمینان بکسور حصیه بند رودخانه حربه و ذخایر کافی

از آذوقه و غیره برای چند ماه داشتند و امیدوار بودند

مدد و کمک از جانب کور و ماکنین میفرمودند .

در اوایل ماه (او) راهنمایان چند نقطه از نقاط

همه بروسیها سخت تصرف نمودند . من جمله سه
(دلف) . خوف و ترسش برای چهارمای جنگی
بهر رسید . او بر روبرو عساکرش و تا کیدی در باب
پروان آمدن کشته ها و حمله بردن مرد دشمنان با میرال
(و سیاف) رسید و حکم دگر امانا نو لاد و کوسک خال
و مقصود در وسیع این بود که کشتیهای جنگی مرد در بند
ملحق و منفق شوند و بعد همگی (نو لاد و کوسک) پناه
گیرند چرا که لنگرگاه و تعمیرگاه کشتیها بنابر اخیر بهتر است
پناه

پرت او تو راست . روسیها مقصی المرام مکر دیدند .
از آگاهی و هوشیاری را تو خب اطوی کشید که امیرال (لوگو)
شکست کلی بر وسیع داد . امیرال (و سیاف) مقتول
گشت و چهار او با کمال صوبت بلند (کیا چاه) و از نو
چهار (اسکند) در ش کت های (خاک صحن) پناه گرفت
(لوگو) که رنجت و سار معرب کرده با چار به پرت
او تو بر گشتند . حالت کشتی (و لاد و کوسک)
هم بهتر از این نبود . امیرال (کا میورا) راه آنها

مُند و کرد و چهار (روریک) عرق شد و (رکبا)
 و (گراموما) معوب گردید پس از چند روز را او تنها
 نوک را زدیم (کرک کفک) دیده از انهدم خفته
 ضرب سخت بقوه کمره روس در شرق الاقصی وارد آمد
 چنانکه قدرت و استطاعت حملات نماند . کشتیهای
 معوب در هر دو بندر صلاح تعمیر شدند که توانستند باده
 چهارمائی بالنگ که در شانزدهم اکتبر در تحت سرگرد کی امیرال
 (روریک) ار (کراندت) روانه مرکز جنگ

سرودید

گردیده بودند هنگامیکه آنها را در ساحل برسد و طی شود را او تنها
 در تحت سرداری رززال (نوک) کمال سعی و کوشش را
 بکار برد که با رسیدن استعداد مری ما کمری روسیها مقصود
 خود برسد و قلعه از قلاع بدست آنها افتاد و از طرف شمال شرق
 و شمال مغرب مشغول بقا زدن قطعات بزرگ کوهها باد
 بودند . مدد جایش میفرستاد و در اواخر ماه نوامبر
 تپه مرموم به (دویت و کج مری) با نهایت سعی
 و حوزیزی فی انداز بدست و مصرف آنها افتاد زیرا که

تمام بند در دست است و از این نقطه همه را توپها
 سفین جنگی روس با کمال شدت گلوله ریز نمودند تا یک
 چهارمائی زره پوش و عمر محبوب با غرق و سوخته شد
 فقط چهار (مراستول) توانست بکشتگاه بروی فرار کند
 ولی بعد از آنم شکسته و از کار افتاده شد . سه چهار
 فرزند کشتی ترسل و جنگی را لون چه از گلوله های دینیت
 زیر دریائی و چه هدف گلوله توپهای سفین روس غرق
 شده بودند . وزارت بحریه روس از این امر نا
 ...

موتالیه فرض و واجب دانست که بر قوه و استعداد بحری میراید
 و مدارکات لازمه دسته توپ سفین دریای (مالیک) را
 بپسند شحمت و داناتی را توپها استهانت داشت . مالور
 ماه و یک بر نقاط مهمه و قلاع بدست آنها افتاد فقط در سه
 (مرحل) ... ۲ نفر از توپها خانه ها و محقر نهایی
 شهر آرتور منهدم و مریض خانه ها مملو از مجروحین شد ۱۵۰۰۰
 بر روی روس مریض و مجروح کشته و قتل سائلور یاد ارج
 هزار نفر نمودند . سر کرده قتل سائلور و روس که از آنجا

استاد کی دعوت بی فایده است کمتری به رزّال نیک
 نوشت و بعد حرب قرار و امضاء مامورین طرفین شد
 تسلیم نامه قبول شد . رزّال (اسوسل) یکی
 از وقایع نگاران جنین اظهار داشته بود (بواسطه اردیت
 رفتن کوه مترصل و قلعه ارلنگشان و کوله ماری بی درنی
 رانویه خصوصا از توپهای مازده اسبی و کثرت مقولین
 و مجروحین موقع حفظ قلاع باس کلی حاصل شد و صبح
 روز اول رانویه مجلس شورای منعقد گردید و قرار است
 نمودن

نمودن دیگر فایده ندارد و بابت تسلیم هاشم (فصل سوم)
 بقیه تسلیم برت از نور ماهرست آنچه غمت رانویهها شد
 . . . ملاقات رزّال اسوسل و توکی سردار اسامه طرفین
 — رزّال اسوسل با همراهانش برویسه حجت
 میهند — تسلیم قلعہ معروفه افغانو
 برکت که نظر آن از بدو عالم ماکون تاریخ گمرشان میدهد
 که درت و ملالت خاطر تمام رو سیاه و غایت خوشی و فری
 عموم رانویهها کردند . در امور حالت داخله رویسه

از کلی بخشید چنانکه غنایش در میان علمای دین و شریک در هر
اطراف و شهرهای بزرگ و کوچک مملکت وسیع بر ضد دولت
و طاعت تحکیم برپا شد و اشکالاتی که بحال دیده و شنیده
نشده بود در محمود چنین حصن که ده سال اتصالاً مایه جلا
و اقصی شدن بود از دست روسها نزع گردید

عقیده بعضی از ارباب سیاست این بود که منذر مذکور بآب
مقاومت و حساب جریبه خدایه دیگر داشت و تقصیر و تلاطم
از دست دادن آنرا بقشون ساخو وارد آورد و مددی رزغال استول

صدیق

خودش اعتماد نموده است که قشون از محنت و ثقت زیاد که دل
شکسته و از سرده خاطر شده بودند از انطرف هم استعداد و مدد
حربی علی التواتر بقوت و عدد را بآنها می رسید و انحر که اسباب
حربیه و فقهیه و اذوقه و اصل شده کذب بود علاوه بر آن نقاط
مهمه تصرف را بآنها افتاده بود و متصل شهرها و کولها را زیر نمودند
و مشوق و مرغ سباه بند رزغال (کنند را کمون) چند
قبل از آن از این سراسری فانی رحلت نموده بود
در خیمه را بویه رزغال استول با چند نفر از صاحب منصبان

ملاقات رزّال نوکی رفت و بعد از طی تعارفات رسمانه و دست
سردار را چون معاوضت مقرر شد اظهار سرت نمود از دیدن شخصی
که در مدت هشت ماه دلیرانه برای امیر اطوار و ملت خویش ~~جنگیده~~
است و گفت از میعاد و خبر رسیده است که اعزاز و مرتبت عظیم
برای رزّال اسکندر . و سایر صاحب منصبان داده شود
و نیز اجازه فرموده که قداره خودش را نگاه دارند و قرار شد
هر کس قول بدید و عهد کند که دیگر خدمت چهره بمیدان جنگ
نرود از آن مراجعت برود و داده شود . این قول را خود

عزیز

رزّال اسکندر را غلب همراهِش دادند و بی چند نفر رنج و تعب اسیری را
برآردی رحمان دادند . هر دو سردار قشون مکر را
تجید و تسلیش نمودند خصوصاً رزّال را و پس از شجاعت و معاوضت
را تو خف تحسین نموده گفت از شکست تو بهای آنها خارت
عظیم دارد آمدنش نهایی خطا بود . جانشانی
رزّال نوکی خاں سخت بود که دو سرش بهلاکت رسیدند
کلی ^{نشان} (فشان) و دیگری (در تپه و است ستره مری
ولی پدر مرکب آنها را با فتح آن دو نقطه همه وقتی نهاد و نظر

بر حیات آنها ترجیح داد . همان روز که بنای تسیم
پرت آرتور شد . چهارمای جنگی امیرال (رودرگو)
در اقلانوس هندو اعلیٰ حریره (ماداکاسکار) رسیده بود
و دسته دیگر از سفین بحر شمال روس در تحت ریاست امیرال
(فلکر نام) از دریای (مدراسیه) به (ریشیونی)
وارد شده بود و قصد الحاق و اتفاق با دسته اول داشت
مدت دو ماه چشم همه بطرف چهارمای مریه
در آبهای متوقفه گران بود و حادثه ذکر شمال یعنی حمله سفین

روس بر چهارمای ایگرا انگلیس موجب اختلاف بسیار گشته
میان دولین انگلیس و روس گردیده مرقا این اختلاف باقی
بالمطلب رضیه معذرت ختم شد . در هر صورت تسیم پرت
حالت سخت برای چهارمای (رودرگو) پیش آورده که
مراجعت نماید یا منظر دسته توهم چهارمای مالکت شود و بعد
مقصود خویش پیش گیرد . تسیم و کویل
پرت آرتور در دهم رانویه با کام رسید . فهرست آنچه
غنیمت را بویختند از این قرار است . پنجاه و یک قلع

و چهار سوار . پانصد و چهل و شش عراده توپ
 بهشتاده هزار و شصت و معادل کوله توپ . سی هزار
 کیلو گرام باروت . چهار کرد و دو دست و شش هزار
 و شصت صد و شصت . سی و پنج هزار و دو دست و پنجاه و دو
 لنگ . پانصد و هشتاد و نه قصبه طایفه هزار و شصت
 نود و یک قصبه ششیر . نهصد و شصت و یک عدد لاری
 چهار فرزند چهار زره پوش باستانی چهار (سوار و پل
 که زیر آب بود . دو فرزند کرد و رایر سی فرزند سوسه
 چهار فرزند

چهار فرزند . چهار بر سیل و غیره . سی و پنج
 رانویه ریزال نوکی و کاسا متصرف رت آرتور شده
 با قشونش بزرگ نظامی در شهر کهنه و نو جا گرفتند بعد
 همان روز سردار قشون ساخو رت آرتور با همراهمانش
 بعد از هفت هشت ماه وداع کرده از شهر بیرون آمده از راه
 (دالنی) به بندر (ناگاساکی) وارد شدند اما به
 ژاپون با تقطیم و کریم تمام آنها را استقبال کرده (از ملاقاتن
 اظهار مسرت نمودند و چند روزی در آنجا توقف کرده بروکیه

مراجعت نمودند . اسرا نقل برانون شدند

و محروصین و مرصنین را در معرض خانهها با کمال مراقبت و ملاحظه
اعلمت ابراهیم خان در آن زمان بر و برادرش و قطع شده ایست
نگاه داشتند تا خانه کار جنگ را بختین این طور رو

در انون یکی بر زغال (نوکی) و دیگری بر زغال

(استوسل) عطا نمود . قشون زغال نوکی که از حصار

و تخریب در خارج شدند بجانب رودخانه (شاهپور)

بسیار گردیدند و از رفتن آنها بدان صوب قشون مارشال

(اوپاما) تقریباً پنجاه هزار نفر زیاد شد و برای حراست

بند

بندر فوجی قلیل معین نمودند . و در حاکمیت توکیو

چون غایت جهاد می نمودند که عدد سپاه بری را انون کمتر از ده

نشد و لکن است از این اضافه جدید خوش وقت گردید .

خصوصاً در قمر که قسمت دوم قشون بری روس در تحت سردار

زغال (گری پن برک) تجمیع شده بود

فصل چهارم

حرکات قشون متخاصمین در وقت رودخانه شاهپور

محرریه بهیبت کردن که چهارده روز امتداد داشت و موجب

حضرت جانی فی حد و حصر طرفین گردید . ژالوپ

دلیرانه و غالبانه پیش میروند . ژزال کوراماکن ابر

داری کل سپاه روس استعجابید و ژزال یسویج بجای

او منصوب میگردد در مطالعه کننده کان مستورست که قشون

مستحارمین بواسطه شدت برودت زمستان در رودخانه

(شاهو) مشغول سکرنندی و استحکامات بودند

و آنجا به آنادسحات سپاه از هر دو طرف حمله میکرد

و میموند . بعد از آنکه ارکات مفصله طولانی در او

ماه رانویه

ماه رانویه توجک در قوای (هیکوتا) و (ساندلو)

و قوب رودخانه ^{برنهنو} (هوانهو) گرم شد در دوازدهم رانویه

ژزال کوراماکن دفعه هفتم بر ژالوپ حمله برد . ژزال

(کرمی بن رن) در استدای توانست ژالوپها را عقب نشاند

ولی از شانزدهم روسها (ساندلو) را با حضرت

عظیم که ۹۷۳ صاحب منصب ۳۸۰۰ متقوین کشته نمودند

جک (هیکوتا) چهار روز طول کشید و قشون مارشل

(اداباما) اول در خطر عظیمی گرفتار شدند ولی بعد از

برو سیاحه برده فیروزه کردند . از روسها ۲ نفر
 و از رانویها ... انقلب شدند و مجروحین طرفین نیز
 زیاد بودند رزّال (کرمی بن برک) از این شکست استعفاء نمود
 عازم تبریز گشتند چرا که حرب خلیفشان و رزّال (کورامکن
 او را مدد نفرستاد و گفته بود اگر بمن استعاده عربی رسیده بود
 صد همسر از غزائیه ها را می فرستادم . از این پس شال
 (او یا ما) قصد محاصره کردن راداشت و لغزینک و بموش
 و چالاکلی اقدام بدین امر نموده زمانی نگذشت که ماقولن خود

بنام

بمسافت ششی و مسک دست معرب کردن ظاهر شدند
 و در شازدهم فوریه نقطه (سینین بن) را تصرف
 نمودند . رزّال های رانوی (اکو) و (توگوگی)
 از طرف معرب و (نادوزر) از طرف جنوب و (کورو)
 از جنوب مشرق خیال همه بر کردن محل محاصره سلاطین منجور مارا
 داشتند . محاصره بهین که قرب حصار شهر کردن
 در گرفت در صف جنگی عظیم (استرلینز) و (دارلو)
 که در عهد امیراطر رانویون واقع شد . بشمار نیمی میباید

بمقتضای فوق العادت پس گرفتند که موجب است و حریت
 انسان گردید . از هر طرف قشون متخاصمین مشغول همای
 و مدافعه بودند برای حفظ ناموس و حریت دولتشان چنانچه
 عز و در عرصه غرور افتاد می نمودند . تا مدت در حالت رزال
 (گور و پاکین سخت و صعب شد خواست با تمام قوه بر می داشتند
 هجوم بر رانهای آرد اما رانهای تکلیف خودشان را میدادند
 و از حرکات روسیهایی اطلاع نمیدادند . لهذا اقدام حاد
 پیش نمیدادند . و قوه قهریه روسیه را در محمی مفرغ میکنند

باز

رزال (لویج) در میره قشون روس از حملات رزال (گور و پاکین)
 چندان ضرر نمیکشید بود و از خالام رزال قریب رودخانه (همون)
 عقب نشست تا بتواند بجوی مدافعه نماید . قشون رزال
 (کالاباس) در سیمه روسیه از رانهای رزال (لویج)
 ناتوان و صعب گردیده بود . در هشتم مارس قست دوم
 سپاه روس در تحت ریاست رزال (میلدر لیک) دارد
 کردن شدوی برای نتیجه تحکیم تشری بخشید چرا که همه
 در فاصله قلیل جمع بدف کلوله رانهای شده بودند . اما

اما رزال (کوریاکن) کماکان نه فقط سعی بلیغ بکار بردن آذر
 خط مشرف خلاصی باید بلکه شخصاً دفع حملات رزال (اگو)
 و (نویکی) نمود و کخط چند دشت در صفوف را پونها انداخت
 . در این هنگام خبر گرد و رت اکثر از مرکز قشون رسید و کوشش
 وی را باطل نمود . در دهم مارس را پونها (کوریاکن)
 را در سمت مشرق مکن متصرف شدند . در یک و
 توقف یک روز باعث انهدام قسمت دوم و سوم قشون
 روسها نمود و لهذا در تاریکی شب نهم ماه مارس حکم به تخریب نقاط

و در نزد

و فرار نمودن داده شد . ولی غلبت امکان نداشت
 آمدن از شهر دشت شد . قبل از فرار مقداری رما د
 از راه و قه و غمره سوزانند و مله های رودخانه ها طرب گردید
 در هر صورت قشون مظفر را لون متعاقب آنها برداشتند
 و راه آهن را در سمت شمال بریدند . با وجودیکه
 را پونها در صبح دهم مارس داخل شهر شدند ولی
 قسمت اول در سمت رزال (لینویچ) باز بقابل
 زمانی در محل مکن مقابله مینمود بعد دیگر تاب مقاومت

بناورده تا دوازدهم مارس قشون روس کلی مغلوب
 شده بود . و بعد از شکست بسیار فاحش بقدر دویس
 از سمت شمال مکن عفت کشید . حاکم مکن
 که چهارده روز طول کشید و تقریباً هشتصد و پنجاه هزار نفر
 مشغول کارزار بودند قسم محو بر عظمت و اهمیت جمیع حکما
 سلف کشیده و دانش و هنرمندی را او نخواهد
 حیرت و تعجب تمام ارباب سیاست و تواریخ و ملکه همه
 جهانیان گردید خارت رویها بس عظم بود تقریباً
 سجد

یکصد و شصت هزار نفر از دست دادند که از جمله پنجاه هزار نفر
 اسیر شدند . بعبارة اخری سردار روس از
 یک ملت اردوی خوش مجروح شدند . با نصد
 عراده توپ و دویست هزار گلوله توپ و پنجاه گرو
 فشک و آذوقه و مهمات عریضی حدود حصه غنیمت
 را بوینها گردید . قشون منظم روس (سیرلیک)
 مابین مکن و خارمین فرار کرده آنجا را استوار نمودند
 چون قصد استادگی داشتند . در شانزدهم مارس آنها

شهر مازور را تسخیر نمودند . و پس از تصرف آن رودیها را
عقب نشاندند . در این جنگ نوزده هزار از رودیها مقتول
و مجروح گشتند و هشتاد و سه توب و اندوه نیز از دست دادند
و راه (گیرین) و (خارپن) گرفتند . بعد از
شکستهای سابق اندک روزی زال (کورماکین) بعد از آنکه
مراج و جنگی کرد و ارمی کل قون مجور را استغای دی قبول
شد . در مقدمه هم مارکس ژنرال (لینچ) سردار
اردوی اول بجای ابرمضوب گردید . ولی ژنرال

رسد به

(کورماکین) مگر دانست در مجور را اقامت ننماید
و سرداری قسمت اول لوی واکندار شد . بعد از
جنگ کردن عقیده بعضی از خاندان و ساسون اردو ما و امکا
این بود که دولت روس خواهی نخواهی بایست بر قصد مذکور
صلح باشند . زیرا که غلشش در داخله روسیه نوافت
در از دیاد و بود و جمع آوری لشکر و استعاض جدید اشکالات
تازه روی نمود . و همه بر ضد طوالت جنگ بودند .
روسیها در هنگام گریز برای منع تعاقب را بونهای پلها و

و توقفگاه های راه آهن کشتزارها را سوزانده و چرا
 کردند . در آنجا و در هر چه در پیش کشت و امان دای
 بدست و وادی مسدل کشت . چنانچه قشون مجربین
 و افراد لان طرفین . حکمای محضر علی الاتصال در کار بود
 درست شرقی کدن مسافت سی میل فشان بار
 (اوایام) در ۱۴ آوریل و هزار نفر نواریه نظام و بنا
 نظام روس را با فاصله آنها را شکست دادند . و بطرف
 شمال حرکت کردند . برای ساختن راهها و پلها و عمارت

چنین

از جنگها آنجا و دمی گرفتند . و کوه کورخا (طائفه
 از مغلیها) نیز ملک را آلوده می کردند . وزارت کمر
 دولت را لون در عوض خارت عانی و مالی از دست
 از تو کوه می شد و ^{۱۸۰۰} هشت هزار نفر سرباز و هشتاد و شش
 غلام داده توپ میدان جنگ ارسال داشت . ژنرال
 (لیونچ) یک قسمت از قشون خود را که موف از
 پنج چهار هزار نفر بود بست (گیرین) و مایلی را که
 پست و پنج هزار نفر بود بدست آورد (سوان سان جی)

فرساد . دریت ویک^{۴۱} . ویت و دو ماه مه^{۴۲}
 روسها شمال شهر (کالوان) مغوب شده بودند
 سی صد نفر از رنخا مقتول و مجروح گردیدند . روسها
 در قرب رودخانه (لماجو) و (کیرین) اردو
 زده بودند . و در کوههای سمت شمال شهر کیرین
 سکنندگی و تخته رستگاریات بودند . در این هنگام
 اردوی چپ^۴ ارم ملک سپاه روس رسیده بود

~~~~~  
 فصل پنجم

# فصل پنجم

وقایع و حوادث بحری . دسده سوم سفین بالک<sup>۱</sup> رود  
 مشرق الاقصی گردید . حرکات امیرال (رورسوسکی)  
 در اقیانوس هند و کبر . حرکات امیرال  
 (توگو) . قوه بحری روس در آلون  
 حک (سوشما) و خاست<sup>۲</sup> و کون

الگوی عطف نظر از وقایع بحری حوادث بحری میبایست ملاحظه شود  
 که چه تغییرات و تبدلات در این مدت بهم رسیده



در پانزدهم ماه جمادی الثانی سده سوم چهارم با ملک  
 مؤلف از چهار چهار زره نوس یک فرد و فلا دلوب کشته  
 و دو فرد و فلا دلوب دیگر و ناله و فالتین و غیره در تحت رایت  
 امیرال (مولاگاتوق) اردوهای با ملک بصوب شرق  
 الاقصی حرکت نمود . در هشتم آوریل چهارم  
 (رورسویکی) از قرب (سینکاپور) داخل او فالتین  
 گریختند . چهارم امیرال (مولاگاتوق)  
 همان روز از بندر (ریشوتی) که از بنا در خاک افتاده  
 و در قرب

و در قرب عرستان و از تصرفات دولت فرانس است  
 لنگر برداشند . جنگ  
 بحر می ممکن بود و در ترسکه صلح را با تمام رساند و حبس  
 حوشتی را رو سیاه کرد و چراغ الهیست و اصلاحات امور در حله  
 بیشتر رفیع در مخور یا یاد و فالتین کسر ترجیح میدادند اگر  
 دولت فرانس ملک رسانید بود و مخمین چراغ الهیست  
 و راتون و گریه بان میگردد که در آن صورت نه امیرال  
 (رورسویکی) بدرمای هندو چین دارد میشد و نه و سده هم



دنه دسته حرم و نوم سفین بالک با نهانی می گشت  
 از اسد احوالت فرانسه خلف روس  
 اقدام بر خلاف قانون می نمودند

چهارم ای امیرال (رورسولکی) در ماه (نویسمه)  
 قرب خزیه (مادالاسکار) توقف نمود نه فقط برای  
 گرفتن ذوقال و لذت و تکمیل مهمات حربیه بلکه برای پاک  
 و تعمیر چهارموش انداختن توپها و در زدن قواین جنگ  
 هرگاه دولت راپون از این باب

شکایت

شکایت کرد دولت فرانسه چنان رفتار نمود که گویا هیچ اعتدالی  
 نداشته است و تقصیرش مطلب دفع مایال را متعلق می انداخت  
 در امهائی میزد

و حسن تصرفات فرانسه محمد و آنگهان واقعه اتفاق افتاد  
 امیرال (رورسولکی) چند روز در خلیج (کامرانج)  
 مکان دین جت و قسکه دولت راپون بیروت  
 سخت نمود سیو (ولگاسی) وزیر خارجه فرانسه  
 جواب گفت که دولت فرانسه نمیتوانست از پیش اقدام



بمع لوقف چهارهای روس در آنها تصرفات خود نماید

و بعد از حصول مقصود

رسا لگا بامیرال روس خبر رسید که از ابهامی فرانسس بیرون

برود تا مبادا قانونی بر مبنای برسم بخورد

عقیده نیمه این بود که امیرال (رورسکی)

خلج (کامرانج) را امر کر خلج قرار داده تا فایده کلی

حاصل نماید و بسیاری از روزنامهجات را چون مطالب

برضد دولت فرانسه نگاشته ارد دولت انگلیس خلیف

خویشان

خویشان خویش مداحه در این امر می نمودند تا آنکه دولت

فرانسس سخنی امور سیاسی را دید موافق میل را پوچها رفتار نمود

از روایات فوق

معلوم میشود که امیرال بحر روس غایت جحد را نمود تا بلکه امیرال

لوگو مجبور شده از دریای را لون بیرون آید تا بر دی هجوم

آورد را پوچها هم

مستحای سعی را منهدل داشته که چهارمائی مالیک از مواحل

هندو چین خارج شوند و جنگ در جایی دیگر که از



از جهت برای آنها مناسب باشد

و به یحیی امیرال (رودرستی) با امیرال ( )

(نوبتوف) که در هفتم ماه طلی سید گریخته اند از این

قرار است

| نام چهار        | شماره مدرک | قسم     | تاریخ |
|-----------------|------------|---------|-------|
| ساروف           | ۱۳۵۱۲      | زودرستی | ۱۹۰۳  |
| اورال           | ۱۳۵۱۲      |         |       |
| امیرال الکسندرو | ۱۳۵۱۲      |         |       |
| برودرستی        | ۱۳۵۱۲      |         |       |
| اسپانیا         | ۱۳۶۷۴      |         | ۱۹۰۳  |
| سیرالیکا        | ۱۰۴۰۰      |         | ۱۸۹۷  |
| ناورین          | ۱۰۴۰۲      |         | ۱۸۹۵  |
| امیرال الکسندرو | ۹۲۷۲       |         | ۱۸۹۳  |



۳ فروند فولاد کتب

۳ فروند کتبی دفاعیه

۵ فروند کروزایر

۱۳ فروند رشت شکن

۲ کروزایر کوچک با تفله و قابلین و غیر

نوده صد بمب نصب شده جات ۱۰۲۰۰ نفر

قوه امیرال توکو

| نام جود | وزن و مقدار | قسم چهار | تاریخ ساختن |
|---------|-------------|----------|-------------|
| اسامر   | ۱۵۲۰۰       | رود پوشر | ۱۹۰۰        |
| فیدر    | ۱۲۲۲۰       |          | ۱۸۹۷        |
| سکاسا   | ۱۵۲۰۰       |          | ۱۹۰۲        |
| شکیشا   | ۱۲۴۸۵۰      |          | ۱۸۹۹        |
| چینین   | ۷۴۰۰        |          | ۱۸۸۳        |



۱ فرزند دفاعیه

۸ فرزند فولادکوب

۱۲ فرزند کردزایر

۲۱ فرزند مشک شکن

۳ فرزند مرشد

نظامه رفیق

مهم صاحب منصب و ملکه حیات ۱۳۵۰ نفر

از مخطورات فوق معلوم میشود که روسیها شصت فرزند زره پوش

داشتند . پنج فرزند از آنها طرح جدید نموده

زره پوشی پنج فرزند زره پوش داشته که چهار فرزندش

از طرح جدید بود ولی از سایر چهار تن بیشتر داشته بودند

علاوه بر آن روسیها چند فرزند کردزایر هم در ولادیکوستان

داشتند و دو فرزند گشتی (گرابو) و (روسا) را

هم اصلاح کرده بودند . باکال امیرال

تو کو باکال احتیاط بر غنکیده که مبادا کجایزای تحت امرت



دی آسپی رسد زیر امطر خهارهای بالیک بود ولی اکنون

رئس از میان برداشته شده بود و میتوانست بی محابا و با قوت

تمام عزت و ناموس ملت و حرالت خویش را نگاه دارد و راه

امیرال روس خواجه ارسب مشرق یا مغرب لغاوتی برای او

نمیکرد چه هر دو طرف پناه گاه و تعمیر گاه برای سفایں دارد

چون هوای آنکس

بجراغند اوقات به تیره دارد لهذا امیرال لوگو مخفیانه

مشغول بود که ابواب فرار بر روسها ببندد و نگذارد آنها

حکایت  
بدون

بدون حکمت مقصد و مقصود خود در رسد

زیر کترین حکمهای دریائی عالم که همه اهلالی کرده

ارض به بی طاعتی مسخران بودند و از اسرار مات و مکتور

ساخته مقابل جبارهای روس و ژالون بود که تا از بنفست

ماه سه در لوعاز (سوشما) در گرفت و موجب ضحکال

قوه روس گردید که در طرف چپ نشست ساعت پنج اشری

از آن یافت نشد از حاصل

دستچه این جنگ بحری مستفا و مشهود که فتح مذکور به نسب گشت



مخاین بود که بواسطه حسن و تدبیر و مهارت در فنون جنگ و هند  
اخلاق بود  
امیرال (رودریگس)

کمان کرده بود که امیرال تو کوه را غلبه و دست داشته بود که راوینها  
در شمال درامی را لون منظر دی بود و دی خود در دام حصم می شد

قرب خزانه کوشیا (درمانه کورالون و اصغر) آمده فقط چند

فروید چهار راوینها را دید که چنان رفتار نمودند که گویا با کمان  
گرفتار شده بودند و تدبیر خویش را پسندیده و لی در خطا بود

چون زمانی گذشت که لغتاً در میان مخاین را لون افتاد و جنگ

۲۰۰

پس عدل و نظیر باشد  
مواصاف

در روشن بود و در ماستلاطم دو ساعت بعد از ظهر افراشته شد

توب نمودند  
در ابتدا تو خنک

سپاه کرم بود و لی سدر حار راوینها احاطه نمودند تحت تسخیر

وارگون گشت  
حد فروید چهار

در کوس و غریب کوه شد و غرق گردیدند

چهارهای موشت را لون  
روسیا را در احتلال و حص

و بیصل انداختند  
روز دیگر جنگ در کمال شدت



شروع شد شکت فاش به قیامه قوه روس درآمد  
 امیر البحر (نیوکاتوف) باد و هزار قشون بحری اسیر شد  
 در جنگ مت و مقیم و مت<sup>۲۷</sup> و مت<sup>۲۸</sup>  
 چهار (سلاروف) و (الکندر سوم) و  
 (لورودنیو) و (دتری داسکی) (امیرال ناحیه)  
 (ولادیمیر) (امیرال اوساخوف) (لوارین)  
 (اسلایا) (سیای ولیکی) و چهار مرشد شکت  
 و دفاعیه و غیره غرق گردیدند و چهار چهار غنیمت را بپوشانید  
 که روی

که روی هم رفتند و چهار جنگی روس غرق و دیگر گردید  
 امیر البحر (رودرینسکی) محج  
 و اسیر شد و در امر لفظانه (سایسوی) برای علاج مردند  
 شکت آن است که امیرال توگو خسارت قتل  
 و خف جن قوت زرکی را معدوم ساخت یعنی نقطه سه فرو  
 مرشد شکت از او غرق و مت<sup>۸۰</sup> صد نفر مقتول و محج گردیدند  
 ولی از روسها غیر از خسارت مالی که نصبت در شکت ملون نبات  
 میرسد تجاوز از شش هزار نفر اسیر با محج شدند با در تحت



دریا سایش جاودانی نیستند

(الماء) و دو کشتی دیگر با صوبت فرار (لوله دوسکت)

کرده و خند فروند دیگر به نادر پی عافیه میسازند

سبب شکست روسیها را امیر آل (روستوکی)

خسین اظهار داشته است

کافی در انداختن توپها خصوصا در وقت طلوع بحر ولی توپها

برعکس هم توپها و لوازم حربشان بهر و پشرداشته

دویم در ادای تکلیفشان محرز بودند

نفاوت

بغاوت قشون بحر می که از جریره (ماداکاسکار) میآورد

و در قرب جریره (فارموس) تجدید شد و در صحن جنگ

سباه خدجها از فرمان نبرده علیه جات سارحجرات نیز

پیروی آنها کردند

از این بعد لازمت مذاکره صلح و ترک جنگ نمایان شد

چه روسیها کلیه اعما و دواچینسان رحجرات بالنگ داشته

بودند و اکنون عمر ممکن بود اگر خواسته قوه دیگر در همان اشکالات

متعدد و جهات سازند



## فصل ششم

جانب سرور دولت کمال حد و جهد را بکار میرد که ممکنه

صبح را تمام نماید . جوانی خیره

(ساحلین) را بویخیا از انصرف نمایند

جانب سرور دولت

رئیس جمهوری دولت امارونی امریکامش از نیمه مجاد است

دافیه مزدول داشت که جنگ لغوی الشرق با تهاجد

و اقدامات فوق العادیت بکار برد که محض خطا است در این

رئیس



در این عموم سینه صلح را همه جهت تمام نماید لهذا احتمالات

عالمیه خویش را با علیحضرتین امیراطور روس و امیراطور ژاپون

ظالم ساخت . خبر رسالت و بی

مین الدولین خصوصاً در و ایرسیاسته روس در این اوقات

مختلفه خویشی حاصل نموده و موقع را مغنم شمرده از دست نداده

طرفین اظهار

رضاء قبول نموده زمام این مهم را بدست رئیس معظم امارونی

نهاد و برای صلح مجلس شهر (پرتسموت) امارونی





انارونی را بر جامی دیگر ترجیح دادند و بصواب معرون تر نشند  
 مسو (دولت) وزیر مختار صلح از جانب  
 دولت روس و (دباردون کامورا) وزیر امور خارجه  
 وکیل از جانب دولت ژائون مقرر شده در ماه ژوئیه  
 ۱۹۰۵ میلادی چند نفر از دو کشور برای امیر کا حرکت کردند  
 و بجزایر که رسیدند مالی آنجا اسباب زیورائی فراهم آوردند  
 ژائونها کوی مرتبت  
 از میدان کمریه رود و کمر حبت بر میان سه چشم بر خیزد

(ساخته)

(ساخته) انداختند که شرح آن را برای مرید آگاهی خوانندگان  
 دیلا منیکاریم جزیره (ساخته)  
 که ژائونها (کارافوتو) بنامند در سمت شرق سیریا  
 و محاذی دمنه دریای آمور واقع است  
 طول آنرا با ۵۰ میل است و عرضش از ۱۵۰ الی ۱۵۰  
 میل است و سواحل آن چندان عمیق نیست  
 از سیریا بویغار (تاتاری) جدا میزند



وزار ژاپون یو عازر (لا پروور) در فصل رستان آب دریای

حدود این جزیره کج می بندد و جزیره

بغیر از آب زمینی و شش هم دیگر حاصل نمیدهد

ماهی این جزیره چنان وافر و مشهور است

که ژاپنیها و روسها از صید و تجارت آن سالی متجاوز از شش

کدور (مین) که معادل یکموتان پول ایران میشود داخل

می کنند معادن ذغال در طرف

مغرب دارد عدد نفوس

سکنه

سکنه آن چهل هزار نفر است

از بستان ماهی گیر و صیاد هستند و بعضی هم مجوسین

و معتقین که از بلاد روسیه بواسطه شرارت و فساد و قتل نفس

یا تقصیری دیگر نفی مانجا میشوند

رسوم و آداب امالی بسی غریب و عجیب است

مردان زن برودی زن انتخاب میکنند

میهند تا حد رشد و بزمان مهر میدهند که از زمان طوق

در تحت استقلال آنها در آیند هر کسی محار



بیشتر از یک زن عقد و نکاح ببندد  
تاریخ نگار

و در بحر و سواحل نفس مستغرق اند

شهر بزرگ آنها (بک اندروک) است که ۱۵۰ نفر

سکنه دارد شهر معروف دیگر

(کوس کفسک) در سواحل جنوب واقع است و قونول

را الوی قفل از جنگ در این شهر مقیم بود

ابتداء جزیره مذکوره در تصرف چنیها بود و بعد بر الویها

منقل گشت ولی از ۸۷۵ بدست روسها افتاد

هم

بهجوم بر (ساخالین) بعد از جنگ (مکدن) استعاره برده

برده میند و در امور محل و عقد مسئله صلح فایده کلی داشت

فی الواقع مقصود از دست اندازی

را الویها مابین جزیره اردو جهت بود اولاً این جزیره بزرگ

استحکامات طبیعی و مصنوعی چندان داشت و قشون ساخو

انجار باه از پنج الی شش هزار نفر بودند علاوه بر آن میدان مبار

از خاک چنیها خاک رسیده انتقال می یافت و نامها

بهمانکه ذکر کردیم جزیره ساخالین جزو ژاپون بود و اسیر واد



و استرداد ابرایقنا موجب توجه آنها میگردد

بعد از محاربه (توشما) را لوتخارا تسلط

در دریا مسلم شد و در ۲۴ روزه

دسته از قشون ژاپون به (توگوما) که بندر است منفرود

در جنوب (توگو) وارد گردیده سوار کشتیها نقله شدند

و چنان استتباط کردند که گویا اراده حملت بر خاکن داشتند

خبر فرود چهار جنگی بمبارک آنها بود که مبادا چهار

(ولاد لوسک) که با کمال تعمیر شده بود ادیت رسانند

و بنظر

در پیغمبر رولیه چند میل سمت مشرق (کرکفک) از

کشتیها مایه شدند قبل از آن

کمال خرم و در حسیاط را بکار بردند که در آبهای آنکند و در خطر

کولهای کت دریا محفوظ ماند ولی واقع خلاف انتظار خرمود

عسکر کوی شرفه

در نقطه مناسب مدق شمس طالع را افروشتند

قشون بری بعد از دنبال آنها فرستاده می

با آنها داد و شد و دسته از همان



که هنوز مشغول پاک کردن دریا از کوله مای زیر دریایی بودند

در هنگام نزدیک شدن بمندر (کرسکفک) روسها

از دو قطعه مای کوله زیری خسا اندو لی خسارتی وار و نیاید

قشون بری راوتها

در همان جن بنقاط مهمه بندر مذکور رسیده بودند

روسیها آب مقاومت میاورده و شورا

از همه طرف آتش زده و فرار اختیار نمودند چالا که راوتها

که باین درجه وسعت تعاقب کردند موجب حیرت روسها

سرودید

کردید در بر حال قشون

طرفین در (در لسی) در میان جنگ و مسافت پناهمیل

در شمال (کرسکفک) برخوردند قشون روس و کلف

از سی هزار نفر و دارای سی تیر آه توپ بودند و با کمال

دقت میکلند چو الواسطه از دست دادن آن نقطه نصف

جزیره بعینه تصرف راوتها در می آید و نصف دیگر چنان

تنگ و ضعیف است که از اثر کوله مای چهار مای راوتها ازاد

نمماند ولی سعی آنها نتیجه بخشید در دهم رولیه صد و



صد و هشتاد نفر مقتول و مجروح گشتند و پنج عراده توپ در میدان

جنگ که از ده و فرار خستیا نمودند

از رانیه ها بجز هفتاد نفر مقتول و مجروح شده بودند

از روسها هشتاد نفر نیز اسیر شدند

الی تا از دهم رولیه را و نیا با بریف نفت میل شال

علا مش فرست روسها را عقب نشاندند و تحت در آن

است که این قشون را و نیا داخل جنگی حالیه نموده و الا تجربه

تدیرشان پیشتر و برتر میشد

تا پنج صبح<sup>۱۴</sup> از دهم رولیه را و نیا با (نی لوجی) واقع

در جنوب شرقی شلیک توپ نمودند

در این احوال رانال (لانو لوجی)

کمان سخالین خبر داد که چند فروند چهار چکی را و نیا

در (الکندر و سک) دیده شده بود

صبح روز ششم و چهارم سپاه

سفالین فرار کرده در هشت میل سمت شمال شهر مذکور پناهی

یافته شدند



در کشیدن این خبر بد انچه را می فایده شمرده و خانه ها و انبارها را

سوزانیده فرار نمودند

در میان روز (الکسندر روک)

بصرف رانویس افقا و وسایق را یون برقرار عمارت

حکومتی آورشته شد رانویس محال

برو سجا نداده که اسکندر را سوزانند و دولت

نفران را خبر گرفتند

قتول روس منزه با لطف (لوی کوف)

در

واقع در شمال جزیره گنجشند

عده آنها چهار هزار نفر و دارایی

آنها بیست هزار دینار بود و در میان راه را انویس کشید

نفران فرار مان روس بر خورده آنها را شکست دادند

دولت نفران را خبر مقتول و با قصد نفران آنها را کشیدند

در

روسها را عزا داده توپ و پنج عزا به جهات و عده لشکر

و کلید و شکست از دست داده را انویس آنها را آتوزان



تا (توران) دافع در جنوب (لوی کوف) تعاقب نمود

در نیم فاصدمی از جانب حکمران محصور (حارالوچی) رزائل

را تهاجم آمد و چنین اظهار داشت چون از عدم ادو قه و لوازم

طبیعی محرومین در حالت سخت مستلزم اند لهذا از روی این

خوابش مندم که چند روز دیگر در ترک بکشند

بجواب او گفتند که اگر

روسیا مقامات حرمیه و مالیک منقول و غیر منقول و کاهنهای

رسمی

رسمی ادارات عسکریه سیاستیه و غیره تسلیم نمایند انگاه مقضی الامر

میکردند

یوم دیگر روسیها شرایطی را التها را قبول نمودند و رزائل

(لیاپوف) با مفتاح صاحب منصب و ۲۰۰ نفر تسلیم

شدند

چند دسته دیگر منور در اطراف دیگر مشغول استاده بودند

این واقعه را شنیده اسلحه خودشان بیک سو نهادند

و کل خزیره باز متصرف التها درآمد



## فصل هفتم

حرکات رانویف در سواحل سیری و کره

در باب

حالت و مدارکات قشون مختارین در خاک سمجوریا

صلح است که می تواند جلوه جویزی

و جانفشانی را کند

مأمورین را این دارد امیر نکاشود

بعد از

بعد از هر یک خالین تمام سواحل سیری که دارای بنا در حدود

درخت نظر رانویف آمد و تفحص است محض سنجش سیری در شرایط

صلح محال نمی و درایت سبقت حسند

در نزال لیبیج

در پشم رودیه ملرا فاجیه داد که دسه تار سفین جنگی را و نجا

در سواحل کره قرب منه رود خانه آتومین ظاهر شده

چند نقطه را طوله بر نموده اند

چهار چهار تریل در خلیج (کریلوف) پست لغز



چنگلی روانه داشت که سیم تکلاف را قطع و خراب کنند

چهارم در زمانه قاجار...

چهارم در زمانه قاجار...

نیز گویا باران نمیزند و بعد از آن

چهارم در زمانه قاجار...

چهارم در زمانه قاجار...

در میان امور واقع است از حرکات فوق زمین و از آنجا که...

آنجا و (ولا و یوسکند) مگر در این خط مشرف گیران شدند

...

دسته از قشون را چون در شمال مشرق کرده باده بسته از روسها

برخورده متصرف درای (توین) شدند و کاغذ نامی با جمعی

که اسیر شده بود قصد هجوم روسها بر کرده ظاهر ساخت

در محو ریا میده قشون متحرک چنگهای مختصر همراه در کار بود

در برف و بارش ماه آوریل و پنجم رله ماورود خانه مارا

ممکن العور ساخته بودند حکامات را و پنهانی بین بودند

و میتوان با قوه جبروتی اسنادی کرد



رویهایم اطمینان بر قوه خودشان داشتند و صاحبان  
بیکار و قانع نگاران بپیرمان و دلالت فوق چنین اظهار داشتند

۱۵۰ عراده

توب ماشین و توپهای قسام دیگر و لوازم حربیه را بفرادانی  
دارم و چون جمع کثیری از روسیه وارد شده اند عدد قشونمان  
افزوده است و همه میل مغرور برای جنگیدن دارند

با وجودیکه غشش داخیه و عظم حضور نبشت باقی است

منع

مع هذا رجای دالت دارم عاقبت الامر ظاهر میام و اگر رود مندرج میام

در پست و کم رولیه رزال (لیسویج) با علیحضرت امیر  
اطور و دس صن مکارف نموده بود

در این اوقات تبدلات قابل توجه رخ نموده

در گره سوار و نظام مادر منگی گرفته شده

راپوشی از اعاقب کردند



نظر مایک که جدا شد اجزای خارصه چنان میان کرده اند که با قوتن ما

در ورطه خطر و صلاکت مبتلا اند و بعضی از خدایان روسیه

هم راجع به کشتیهای معبود در باره ما ننموده اند لهذا انحصار

اطهار میسر است که سخنها را قایل غمبار نیستند و قوتن

کجالت سخت دوچار شده بلکه عموماً در وفاداری ثابت اند

و مستعد هر گونه خدمت و سربازی هستند

بعد از آنکه پناه دارد و طبع (کاستریز) شده و عزا داده شود

پیش

بدست آنها افتاد و روسها اتفاقاً معکوس خود را تحکیم نمودند

در جنوب خلیج مریخ و کوهان عمارت روسها در باره گرفته

بعد را ننمودند که در آنجا کجائی و محافظت نمایند

و قراولان سواحل بدون مدافعه فرار کردند

روسیها از حركات رانوها

رسیده بنای استحکامات و قلعه سازی در دهنه دریای آمور

پرداختند که از آن پس بینند تا مهر و کین قضا در باره



درباره ایشان چه قصه است

دفاع نگاری در این ایام درباره اردوی مارشال (اداما)

چنین نگاشته است

محض ملاقات اینجا آمده ام

(از فاکو تن) الی (تسلیم) سوار بوم

پس از آن با <sup>رله</sup> این به (مکن)

آمدیم همه جاز عیدیم و اما معلوم است که ژاپنیها مدارکات مفصله دیده

در

و می پند راه ما علی الاتصال در کار حمل و نقل قشون بری است

اما مکان میرم حکم می در کمر و بهنگامه مسدود فصل

پیشتر نگاشته است

در هر صورت قشون رومی با قشون بحری جهد

دکوشش میکنند تا از یک دیگر عقب بکشند

مواهبتر شده است در راه ما خشک

دسته چهارم ای راپون در سیزدهم ماه او داخل بندر (اماکن)



(ایمانک) شده یک عراده توپ از طرح قدیم و عدد کشته شدگان

دکولر غنیمت آنها گردید . در هفدهم ماه فروردین همان

دسته وارد بندر (افشک) شده از آنجا هم

لشکر و فشک غنیمت بردند

دسته دیگر در شش روز هم یک کشتی حامل از روسها گرفتند و از آن

بعد چند قراولخانه را کلوله زیر نمودند

در است جمهوری آذربایجان

در است

جانب نظریه عالیه ان شده بود چرا که مجلس صبح چنانکه ذکر کردیم

در آنجا منعقد میشد ما هم در آنجا میرویم و می نشستیم چون منتهی جنگ

سوی آن مجلس بود که ایستاد شد و ابدایا و دوماه شروع

اسبانک

در پی نیست اگر گویم تاکنون در عرصه وسیع عالم در قوه بدین

غنیمت و ماین همه جهات قتال و جلال مقابل نشانده

در مدت هجده ماه شب و روز

در عرصه غنا جانشین و خور زنی سوخته در کار بود مگر گاه گاه



از موانع هوا و مشکلات طبیعه باز عدم وصول استعداد و مهلت  
 کار حرکت سستی نمود که انکار میکند که سپاه متخاصمین مشغول  
 بتوسیع اقدامات خود و حاضر از برای همه گونه حوادث شده  
 نبوده ؟

صبح بی صبح است که مستواند جلوه جباری و خورری  
 دوامت نکرد و حالت فوق مسدود نماید

که میدانند که یاران کارسکار کجای میباشند و چه میگویند

و تغییرات بدولت را لون و لار و مبادی بمقام مکه عادت  
 شب

خوش در خطر انداخته بود !

اگر شکست منخور و شبه نیست که ناشی است بلکه نیست میشود  
 و آن منزلت و مقامی که امروز در صفوف دول و ملل معظمه جهان  
 یافته بالکل از دست میرفت

حال که لغو حاکم العقول نایل و سرافراز

گردیده بودید است که سیاسی محکم برای تعالی

سعادت و منتهی آینده خود گذاشته است ضمانت

ثابت میطلب که تا ابد محبوس نشود جان هزاران هزار در پناه



در قریب نگاه بندود دارد

از آن طرف دولت روس هم شکستهای در پی خصوصاً معدوم  
شدن قوه بحریه و سورس و اختلاف داخلی و خیرادر لفظ داشته  
شبه نیست که بکن و استوار شده تحت حمایت روسی کرده  
دست

و با کجبه مأمورین صبح در اسبوقت داره امریکاستند  
و امانی مأمورین جو لیتن را استیصال و کمر هم شایان نموده  
اسباب پذیرای فراسم آوردند

در حرم ماه (او) میو (دولت) رئیس مأمورین  
دولت روس در بندر (نیویورک) از کشتی ساد شده  
(بارون کامورا)

رئیس مأمورین دولت راپون هم چند روز قبل از آن  
آمده بود

چراید اما روزی رایی و اظهارات و کلامی صبح را شرح داد  
میو (ساتو) که از اجراء صبح دولت  
راپون در (نیویورک) گفته بود و یقین دارم مسرعه



بدون سنجیده در شرایط بطور دلخواه انجام خواهد یافت

و عادت را دهم طلب خواهد شد

مخرج را لون در این جنگ روزی یک طون

دار است در صحن مذکور صلح متار که جنگ

میشود در سیم ماه

(بارون کامورا) و سیمو (ناکاجیما) سفیران

سیمو و دایمی ماسایا ارجاء در صلح (استر) حرب

دعوتی که جناب سیمو (روز دولت) بطرف عصرانه کرده

سجده

کبار (می فلاتور) فرستند . رئیس جمهوری آمارو

در ضمن مجاورت چنین اظهار داشته بود « صاحبان

جامی سلامت و سعادت و اقبال اعلیٰ حضرتین امیران

عظیم ایشان دو دولت بزرگ که و کلا ایشان امور متفقاً

حضور بهم رسانیده اند میوشم و میخواهم شما در سکوت و قیام

نموشید

از درگاه بزرگان مسئلت مینماید و رجای و التی دارم که غریب

از سر صلح مستحکم خواهد شد



پس از ختم مجلس و وداع مأمورین کاتب  
(رسمت) و <sup>بسیار</sup> گزیده روز هشتم او در دوشنبه

شدند اما

اسکله را با پیر قهای کوناگون مزین کرده و پیرایه مفصل نموده

بعد همانهای محترم را عبارت مخصوص بردند

روز و یکم مجلس اول منعقد گردید و مراسم

تخت و سلام از طرفین بجا آمد

بعد متفق الرای مقرر داشتند که عهدنامه زبان انگلیسی و فرانسه

ترتیب نگارشش نماید و اگر اختلافی در ترجمه آن روی دهد رجوع

به نسخه فرانسه نمایند

مسئو (دولت) اختیارنامه خود در آورد و (مارون گاتو)

معذرت خواست که ندانسته بود همان روز باید نشان داد

بعضی از جراید را لون بیانات مبنی بر توطئه

و تأییدی در انجام صلح نگاشته بودند

و از ادعای غیر مستظه جراید روسیه رنجیده چنین گفتند



باجال دولت را چون از حد احوال بیرون رفت

و فواید متوالیه او را حتی تمسید به زمان مظهر سخن را بدو موافق

صلح را مقرر نماید

روسیه برخلاف چنان رفتار میکند که با خودش منصرف است

میستوان بدخول مواد صلح را مبدل سازد

در جای و اثن در صورت

گرفتن صلح نمودند و مدارکات نظامی پیش از پیش در کار بود

جراید مقدم بر نیا

سرزمین

کردند که را چون تشکیل شرایط صلح میداد

و در صورتیکه قبول نشود جنگ با کمال شدت شروع خواهد شد

## فصل هشتم

معاذات و معاذلات بر مصلح در شهر است

روسیها چند شرط قبول از روسیه را میگویند و غایت جنگ



رأیها در مواد کدشت عظیم مینند

عقد نامه طرفین بامضا میرسد

اثر ختم قلم در عالم - خاتمه حکم

درین مذاکرات رأیها از روی خواست نمودند  
که سه روز از آن مجلس شاعت نشود که مبادلا  
بعد صورت اشکالات کرد و چون احتمال میدادند  
که عقد موافقت در خاموشی صورت بگیرد اما رأیها را ابتدا

انجام

برصد خیالات رأیها بودند

و ششوع معاطات لایممه عالم خواستند

(مارون کامولا) صورت مطالبات رأیون را میسور

(دولت) سپرد و جوابش فی دبر من برای هر ماده

صلح داده شد

و چند شرایط قبول و مالتقی مردود گردید

منجمله مسئله خنارت حکم چون رأیها

مصمم بودند بهوجه من الوجوه زیر بار ادای آن نرفتند



مباحثات طولانی از آن

به بعد میان ما مورین در گرفت

را بویضا علی الظاهر در یکی نمودند اما

بر خلاف استقلال و اقتدار ما مورین روس در معاملات بیشتر

از اجزاء صحت را نون بود زیرا در مسائل مهمه (مارون کامولا)

بایست بدولت متوجه خود رجوع نماید ولی مسکو (دولت)

تا نگردد و کالت مطلقه داشت

تصفیه امور مشرق فیمایندرجا واضح تر و لایح کرش

چهار ماده از مواد قطعاً مورد و موردی شد

که واکند اردن جزیره (ساخا لین)

و دیگر غرامت جنگ . سوم محمد و دین

قوه بحریه روس در مشرق الاقصی . چهارم

تسليم جهازهای جنگی روس که هنگام جنگ در بندر پلظفیه

پناهیست بودید . (مارون کامولا)

از سخت گیری روسها قدری متعجب ماند و از اهمیت متعجب

رومی بر یافته احساسات و خیالات صلبه خوش پوشیده



پوشیده داشت مسند (کره) را معوض بخت و مذاکره در آورد

روسها اظهار داشتند

که حالت مستقبل را بون در کرده نه فقط راجع بدولت روس بود

بلکه بدول معظمه که علاقه در رابطه با آنها دارند و روسها خودشان را

از تعرض مقاصد را بخواهیم باز نمیدارند شرط بر اینکه حقوق متعده

روس را در آنجا محفوظ بدارند

در چپ اردو هم او اعضای مجلس مشغول

کمیته در فصول عهد نامه راجعه به بریتانیا و روسیه میباشند

و در آنوقت

و در آنوقت که تخته منچور را بر دولتمن متعاهدین فرض و جسم باشد

و ابواب آنجا رود

همه منقوع شود

از طرف دولت من در روسها را بخواهیم انتقال یافت و در دیگر

ماده چهارم و پنجم در بحث نظر و مذاکره مامورین در آمد ماده

چهارم با کثرت را قبول شد و در ماده پنجم اختلاف

بهر سیده بدفع الوقت انداختند

و همچنین سایر مواد صح فراداد



مورد بحث مجلس کردند تا آنکه برود مراحم مکلف از لحاظ نظر  
گذرانند و مطالب متنازع فیها بتعویق افتاد و گاه گاه رسته امورات  
از دست آنها خارج میشد

اگر روسها امید رک جنگ داشتند بر آنها لازم و محتمل بود  
نظر نفوذ و حالت رالون نموده بهوش آید که مسخالتین در دست  
حریف ایشان بود و پس گرفتن آن غیر ممکن

و بهیچکس هم احتمال این

نمیگفتند

نمیوانست داد که قشون روس منخور بار بار بقصه خود در آور  
در آنوقت را مجبور نمایند که در معامله برمی اختیار نمایند

اما قشون رالون که بای بدایره قوت

گذارده بود یقین بود آن شرایط و موادی را که از ابتدا  
باعث حرب گردیده بود حفظ خواهد کرد

مسمو (دولت) که دلتوق

در عتادی از هم و طمان خویش در برداشت میدانست که

امداد جنگ برای روسیه چه نتیجه حاصل خواهد نمود



و از آن لطف که با خلاق قشون دارد آمده بود برود و بهای محو می شد

بزرگترین مصائب

اعتشاش داخله روس بود و آتش فتنه او همه جاسرات

نموده دولت

را چون از آن طرف نظر با امور و مصالح سیاسی از مطالبات

اولیه گذشت نمود خصوصاً از غرامت جنگ و اجوات

نصف خزیره (ساحلین) را بخرد و امتیاع آن را

از دو وجه خسارت جنگ بعنوان دیگر دانسته و در قبول

آن

آن معذور بعد ر شدند در این اوقات که اختلاف بهم رسید

جناب مسرور و زولت خدمت نظر می بدولین متعادلین نمود

و دقیقه از دقایق فسر و کد از کرد که کاری بخوبی اصلاح شود و

اقدامات مجذبه وی در حل و عقد امور اثر مطلوب و نتیجه تمهید را

نخست

و بنا بر آن مجلس شورت در پیرزبورخ منعقد گردید و در

ادامی قیمت نصف ساحلین امر نارضا اظهار داشتند و در باب

سایر مطالب غور و تأمل کردند



مجلسی اسم از جمع وزراء و اُمراء را چون  
رأبست اعلی حضرت میگوید در پامی تحت اند دولت منعقد شد

در باب

اعاده جنگ بارتک آن بحث و مذاکره طولانی نمودند و آخر الامر  
از خسارت جنگ که بدست ملوک ایران میرسد و در شایع نصف  
جزیره (ساخالین) صرف نظر کردند چه خلاف عداوت

دیدند که مجلس کنفرانس<sup>۲۹</sup> در پامی بخورد در روز پست و نهم

او<sup>۱۴۵</sup> مأمورین طرفین متفق الرأی بفضل شهبه و انجام

کامیاب

کار صبح پرداختند

و اختتام آن را مکرراً با بدولت متوجه اطلاع دادند

علومت اعلی حضرت میگوید

و توجهات جناب رئیس جمهوری آذربایجان موجب تمجید و تحسین  
جمع سیاستمداران و مالی عالم گردیدند و چراغ دول متمدنه ممالک  
مشروع در این باب نگاشتند

را چون بر مثل متمدنه اسکار کرد که از

غرض اصلا که قبل از جنگ خواهش کرده بود پروت رف



و هیچ سلطان تسلطی که میگوید داشت ابداً اینگونه نبود که ابراز  
نمی کرد

و چنین گذشت عظمی در تاریخ عالم کمر یافت می شود  
از آغاز محاربه چنین اظهار داشته

بود که منجر با ملک جل جلاله است و دست اندازی روی سجا کرده  
حقوق وی را در خطری اندازد و آخر مقصود خود در رسید و اثر

فروحات به نظیر او تا مدت خدقون باقی خواهد ماند

تمام در باب سیاست

عالم

عالم باستانی روسیه اعتراف نمودند که عزمت و ابرقی بر آلون  
برای خسارت زاید الوصف وی و احاطه باستی داده شد

انسانی وطن جانهای

غیر خویش را معرض هلاکت میکنند

و برخلاف عقاید دین خود دیدند که طمع نام نیک خود را بعد از  
زحمات کثیره بر باد دهند

امروز را چون بلا شبهه در مشرق الاقصی مقامی اعلی یافته است

دوره برمی و بحری روس بر عکس ضعف و بهر طریقی و یا کس نباید



از جماعت و ابد سپاه روس ختم شود بلکه از فوت و دلاوری  
ایشان در عرصه قتال نیز نشان مختبر نماید

بالحکمه در پنجم ماه

سپاه برشته ۱۹۵۰ میلادی عهدنامه طرفین که مشتمل بر پانزده

فصل با مضار رسید که شرح آن از قرار ذیل است در

۱ فصل اول ذکر شده است که مضامین و نیتین مختارین منقذ

کردید

۲ فصل دوم مملکت (کره) در تحت حمایت دولت رانون میباشد

۳ فصل سیم بعد از سیصد ماه از تاریخ تصدیق و امضای عهدنامه

سپاه دولتمین روس و رانون منخور مارا با مدحکمه نماید فقط

صد نفر سپاه برای محافظت راه آهن در آنجا نگاه دارند

۴ فصل چهارم شبه جزیره (لیاوتونک) و (پرت آلتور)

بصرف دولت رانون درآمد



فصل پنجم تجارت آزاد خواهد شد

ع فصل ششم و هفتم دوازدهم خط راه آهن روس از شهر  
خارمین الی انتهای خوب که متجاوز از نهصد و هفتاد میل است  
۷ بدولت راپون واگذار شد و خط راه آهن که در سمت  
شمال خارمین واقع است در بد تصرف دولت روس اند  
۸ و معادن و غالی هم بر آونجا منتقل  
گردید و در استعمال آنها دستور العمل داده شد

فصل

۴ فصل ششم نصف خبری (سنا خالین) که دارای

معادن کثیره و منافع بسیار است تا در بعضی نواحی با بحر  
مجاوره راپون داده شد مشروط بر اینکه مرکز قشون قرار نگیرد  
و قلاع و استحکامات نظام در آنجا احداث ننماید

۱۰ فصل هفتم دولت راپون بر عهد و میگرد که حقوق

در تیارات روس را در جنوب خرن (سنا خالین)

نشانده است



۱۰۱ فصل یازدهم در سواحل (سیریا) و دریای

(امور) و بحر (اوجسک) و (سیریا)

حق می گیرد دولت را چون داده شد آن مال را

در این ایالت می باشد و این ملک را

۱۰۲ فصل دوازدهم دولتین متعادلین عهد تجارتی میان

نمودند و این حقوق را چون در عهد نامه جاری می شود

(نمایند) و این ملک را

۱۰۳ فصل سیزدهم مبلغ خطیری برای خرج اسیران دولت را چون

واده خطیر

واده خواهد شد

۱۰۴ فصل چهاردهم اگر در مندرجات عهد نامه که برسان انگلیسی

و فرانسس نگارش یافته است شک و رپی حاصل شود رجوع

به نسخه فرانسس نمایند

۱۰۵ فصل پانزدهم عهد نامه مزبوره از طرف اعظمین امیر

آطور روس و امیر آطور را چون بعد از اوقای مدت بخار

تصدیق و امضاء خواهد شد

جز ختم عمل صلح و گذشت عظم دولت را چون بعضی از مال



رالیون را نهم انداخت و مجلس در (اوساکا) و (ناگوا)

و (کیوتو) انعقاد گردیده اظهارات مضامین از انعام صلح نمود

در (لوگو) نیز انعقاد

برپا شد و در جریان چند وادخانه و خانه های دیگر را

خراب کرده و آتش رده و نزدیک عمارت وزیر داخله

جمع شده قتل و قتل نمودند تا پس به آنها را متفرق ساخته

چند نفر از طرفین مقتول و مجروح گردیدند

پس از آن حکومت شهر را در تحت قانون نظامی نهاد و سائل

اسکیده

اسکیده ناره فتنه فرو نشاند

اما تمام انعقادش انحصار به اهل وضع داشت و هیچ مربوط با مردم

و اشراف نبود و صورتاً چشمه دار به اطلاع و اکاهی

از مردم و صلح بود

رالیون محض استحکام ممره جنگ عهدنامه با دولت انگلیس

خلیف خود در ۱۹۰۲ منعقد شده برای مدت ده سال از

تشکیل گرفت و از این قرار داد و عقد اتحاد دوام داشت

در ممالک آسیای شرقی و هندوستان و حفظ حقوق طرفین



در مملکت منور و گشته است

جمع ناچاران در موقع انجام عمل

صلح و کفایت است و برکت را به اعلیٰ حضرتین روس و ژاپون

ارسال داشته و از طرف

و کثرت عالم شکر است صمیمه را به رئیس جمهوری آمازون

برای خدمات فوق العادته اطلاع داشته

و نام مصدع عظم در تاریخ خون گشته و ان عادل

زنده میماند حکم دولتی

سید

روس و ژاپون اگر چه باعث خسارت جان و مالی باشد

و حصر گردید ولی درس بزرگی هم نه تنها بدولتین متجاربین بلکه

همه دول و ملل عالم آموخت . دولت روس متین

فهمید که اصلاحات و اخلاص از توسعه مملکتش بزرگتر خاک

بعیده لازم تر و مهم تر است . دولت ژاپون هم

با آنکه منظر بود ولی میزان مداحی و مخارج مملکتش

از دست رفت و دانست که برای کوشش و آرایش

عمومی و اشاعه علم و دینیت چربی از آن بهر دست



سیایون هم منفعت شدند که جنگ غیر از نقصان فائده  
و منفعت ندارد و بایست با صلاح حال خویش رفتند  
که بدون پیشک و احاطه حال است پیشک خاصیه داشتن  
خلاصه مرافقت و کتبی یکی خود دارد و دول و ملل بزرگ  
و کوچک عالم همبندند که آشوبش را شیر عمومی زیانهای  
کثیر و ناخوشیهای علاج ناپذیر دارد و شاید در این حقیقت  
ثابت العزم مانده و کردش کستی نیز با عادت و تربیت  
بجهان مساومت کرده تا مدتی مدید حادثه ناگوار

پدید نیارد و لعنای حضرت معصوم و موجود این  
منت الکتاب





۱۳۹۲

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

والصلاة والسلام على من لا نبي بعده

وبعد فقد حضر

الاجتماع

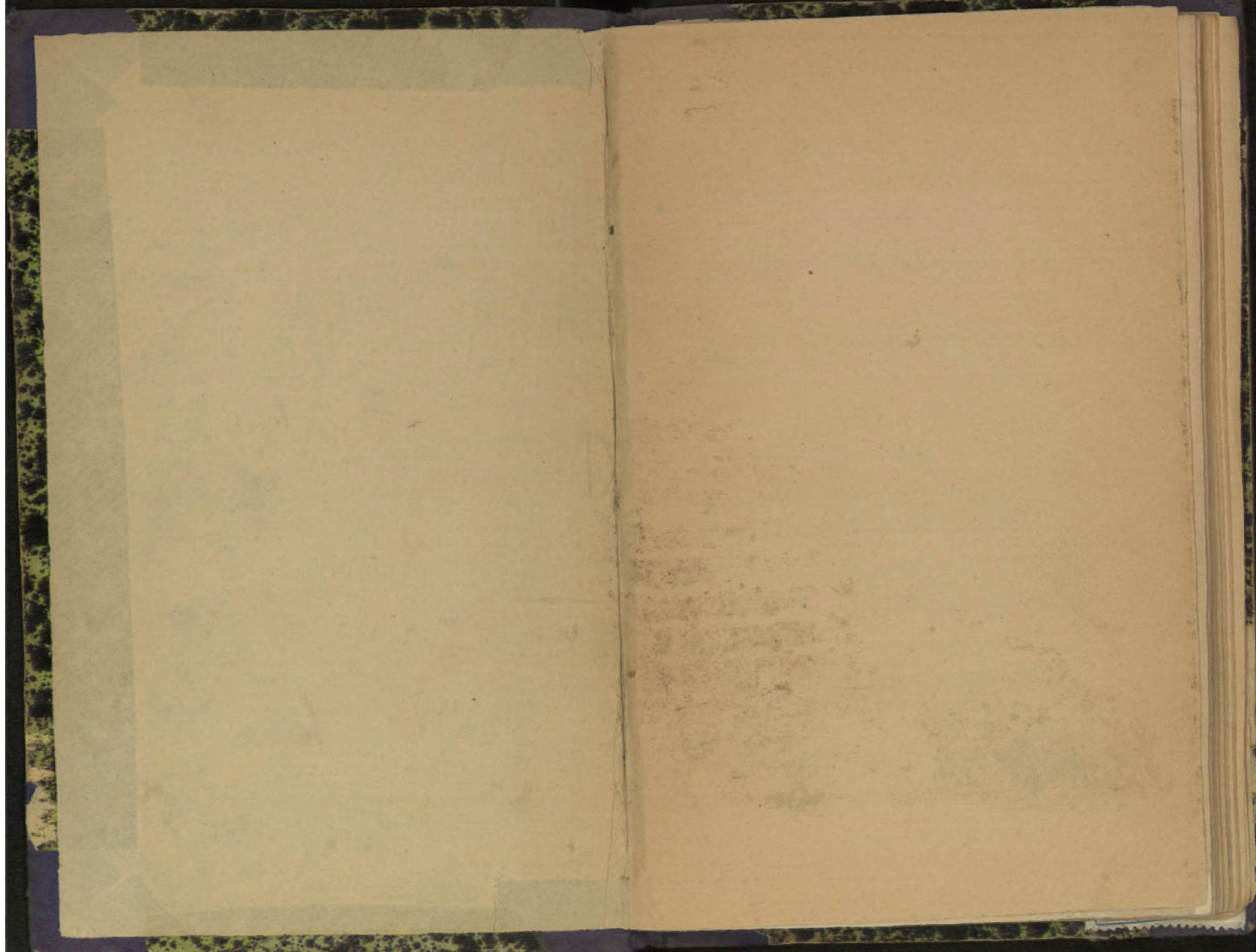
الذي اقيم

في

ال

يوم











خطی، فهرست شده  
۷۹۴۸